



## دیدار شرکت کنندگان در افتتاحیه‌ی همایش غزه - 8 / اسفند / 1388

بسم الله الرحمن الرحيم

خوشامد عرض میکنم به همه‌ی شما مهمانان عزیز، برادران و خواهر محترمان. و از خداوند متعال متضرعانه مسألت میکنم که ما و شما را موفق بدارد بر ادامه‌ی این راه و ادامه‌ی این کار بسیار بزرگ. از برادران عزیزی که این گردهمایی را در تهران به راه انداختند هم تشکر میکنیم و امیدواریم ان شاء الله این اجتماع شما دوستان، گامی به جلو باشد.

اولاً لازم میدانم که از ملت فلسطین و مردم غزه یک تشکر و تقدیر شایسته‌ای بکنم. آنچه که ذکر کردید از پیشرفتهای مقاومت و استحکام مواضع فلسطین در این سالهای اخیر، ممکن نمیشد اگر این ایستادگی عظیم ملت فلسطین نبود. حقا، انصافاً، مردم فلسطین، مردم غزه در تاریخ، نام خودشان را به عنوان مقاوم‌ترین ملتها ماندگار کردند.

آنچه که بر مردم فلسطین گذشته است، در طول این چند سال اخیری که انتفاضه‌ها شروع شده و مقاومت واقعی شکل گرفته، یک پدیده‌ی عجیبی است. این، جز هدایت الهی و دستگیری الهی چیز دیگری نیست. انسان می‌بیند در غزه این همه مصیبت، این همه تلخی، این همه فشار؛ چه در طول آن بیست و دو روزی که جنگ بود، چه بعد از آن تا امروز - که مصائب پشت سر هم بر مردم وارد میشود - اما این مردم مثل کوه ایستاده‌اند. این خیلی واقعیت عظیمی است؛ این را نمیشود ندیده گرفت.

من عرضم این است که این استقامت را، این روحیه را باید در مردم هر چه میتوانید پایدار کنید. شما گفتید و درست هم گفتید: تنها راه حل مسئله‌ی فلسطین، مقاومت است و مبارزه است. این، درست است؛ لکن این مقاومت و مبارزه، متوقف است بر حفظ روحیه‌ی این مردم، حفظ امید این مردم، نگه داشتن مردم در صحنه. این، به نظر من بزرگ‌ترین کاری است که مجموعه‌های فلسطینی و سازمانهای فلسطینی، مبارزان فلسطینی باید انجام بدهند. این فشارهایی که امروز از هر دو طرف، چه از طرف دشمن صهیونیست، چه از آن طرف، بر غزه وارد میشود، به قصد این است که مردم را از مقاومت روگردان کنند. فشارهایی که در ساحل غربی بر مردم وارد میشود؛ چه در شهرک‌سازی‌ها، چه در مسئله‌ی قدس - که ایشان بیان کردند - چه آن سختگیری‌های عجیب، چه در دیوار حائل و امثال اینها، برای این است که مردم را از مقاومت روگردان کنند و به سمت گزینه‌ی تسلیم، سوق بدهند. نباید بگذاریم؛ نباید بگذارید که این اتفاق بیفتد. مردم فلسطین را، مردم غزه را، این ملت مقاوم و پولادین را باید امیدوار نگه دارید و بدانند که این حرکت عظیم آنها به نتیجه خواهد رسید. این، یک نکته است که به نظر من خیلی مهم است.

نکته‌ی دیگر این است که ما آنچه که در قضیه‌ی فلسطین از پیشرفت مشاهده میکنیم - که این پیشرفت قابل انکار نیست - اقتدار روزافزون جبهه‌ی مقاومت در مقابل جبهه‌ی استکبار و کفر است که امر مشهود و واضحی است. آنچه در این زمینه ملاحظه میشود، ناشی از ایمان به خدا و توکل به خدا و وارد کردن عنصر معنویت در مبارزه است. اگر یک مبارزه با عنصر ایمان همراه نباشد، آسیب‌پذیر میشود. آن وقتی مبارزه موفق خواهد شد که در او ایمان به خدا و توکل به خدا وجود داشته باشد. روحیه‌ی دین را و ایمان حقیقی به وعده‌ی الهی و توکل به خدای متعال را



باید در مردم تقویت کنید؛ حسن ظن به خدای متعال و به وعده‌ی الهی را باید در مردم تقویت کنید. خود ما هم بایستی به خدای متعال حسن ظن داشته باشیم. خدای متعال اصدق القائلین است؛ او به ما میگوید: «لینصرنَّ الله من ینصره»؛ (1) او به ما میفرماید که: «من کان لله کان الله له»؛ او میگوید که: از دشمن نهراسید، «ان کید الشیطان کان ضعیفا». (2) او به ما این را تلقین میکند؛ بیان میکند. خداوند متعال صادق است. ما اگر به وظیفه‌ی خودمان در این راه عمل نکنیم، برای خدا حرکت کنیم، برای خدا مبارزه کنیم، هدف را رضای خدا قرار بدهیم، بدون شک پیروزی نصیب خواهد شد.

من به شما عرض کنم: پیروزی ملت فلسطین در بازگرداندن حق خود، دشوارتر نیست از پیروزی‌ای که ملت ایران در ایجاد جمهوری اسلامی در ایران داشت. آن روز - روزی که طاغوت بر این کشور حکومت میکرد - اگر کسی نگاه میکرد به صحنه‌ی عالم و به صحنه‌ی منطقه، جزو محالات قطعی بود که رژیم طاغوت در اینجا تغییر پیدا کند، آن هم اینکه تبدیل بشود به یک نظام اسلامی. این، جزو محالات به نظر می‌آمد و به حسب موازین طبیعی، به حسب موازین عادی، چنین چیزی ممکن نبود؛ مقدور نبود. قدرت بی‌کلام آمریکا در این منطقه و حمایت بی‌قید و شرطش از رژیم شاه، نداشتن هیچ‌گونه امکانی برای مبارزین در اینجا - یعنی امکانات ما آن روز در حال مبارزه، بسیار کمتر بود از امکاناتی که امروز مردم شما در غزه دارند یا در ساحل غربی دارند - در عین حال این اتفاق افتاد، این محال ممکن شد و واقع شد؛ به برکت تداوم مبارزه، به برکت توکل به خدا، به برکت رهبری عازم و جازم و قاطع امام بزرگوارمان. من میگویم این اتفاق در مورد فلسطین ممکن است پیش بیاید. بعضی نگاه میکنند به صحنه، قدرت آمریکا را نگاه میکنند، پشتیبانی غرب را از صهیونیستها نگاه میکنند، قدرت شبکه‌های مالی صهیونیستها را در آمریکا و در سایر نقاط عالم می‌بینند، قدرت تبلیغاتی‌شان را می‌بینند، به نظرشان می‌آید که برگرداندن فلسطین به فلسطینی‌ها یک امر ناممکنی است. من میگویم نه، این امر ناممکن، ممکن خواهد شد؛ به شرط ایستادگی و استقامت. خدای متعال میفرماید که: «فلذلک فادع و استقم کما امرت». (3) استقامت لازم است، ایستادگی لازم است، ادامه دادن راه لازم است. این ادامه دادن راه، یکی از مقدماتش همین گردهمائی‌های شماس، هماهنگی‌های شماس، تبلیغات جهانی شماس؛ همین حرفهائی که آقایان زدید و همه درست است. این پیشنهادهای همه لازم است و همه درست است؛ اینها لازم است. افکار عمومی دنیا را اینها مسموم کردند.

امروز آمریکا و غرب در قضیه‌ی فلسطین و در بسیاری از قضایای دیگر صریحاً دارند دروغ میگویند؛ صریحاً دروغ میگویند. فاجعه‌ی عظیمی مثل فاجعه‌ی غزه را در جنگ 22 روزه وارونه وانمود میکنند. باید به این توجه کنیم. این را میخواهم یادآوری کنم. امروز غزه و فلسطین عرصه‌ی رسوائی غرب است. غرب با ادعای حقوق بشر بزرگ‌ترین و فجیع‌ترین نقض حقوق بشر را در غزه ندیده گرفته. تا روزهای متمادی غربی‌ها در سال گذشته یک کلمه حرف به نفع مردم غزه و در دفاع از آنها نزدند. روزهای متمادی پشت سر هم میگذشت، ما هی گوشمان بود ببینیم آیا از اروپا - از آمریکا که هیچ - از سازمانهای حقوق بشر، از سازمانهای به اصطلاح مدافع آزادی، یک کلمه حرف به نفع مردم غزه صادر میشود؟ نمیشد. بعد از آنی که سر و صدای مردم بلند شد، مردم در کشورهای مختلف سر و صدا کردند، راهپیمائی کردند، تظاهرات کردند، حرف زدند، رسوائی بالا گرفت، شروع کردند به حرف زدن؛ فقط حرف! غرب هیچ‌گونه حمایتی از مردم غزه نکرد؛ در مقابل یک چنین فاجعه‌ی عظیمی که جلوی چشم همه داشت اتفاق می‌افتاد. تا امروز هم باز غرب در همان مواضع است. سازمان ملل خودش را رسوا کرد. آمریکا رسوا بود و رسواتر شد. با اینکه این گزارش گلدستون در آمده است و همه از او مطلع شدند. امروز بایستی سران جانی و مجرم رژیم صهیونیستی بیایند پای محاکمه و باید مجازات بشوند؛ ولی هیچ خبری نیست، هیچ اقدامی انجام نمیگیرد؛ بلکه حمایتها از



دولت غاصب و دولت جعلی صهیونیستی باز هم بیشتر میشود! اینها غرب را رسوا کرد. آمریکا با این دولت جدید و رئیس جمهور جدید، ادعا کرد میخواهد تغییر به وجود بیاید. شعار تغییر برای این بود که بی‌آبرویی و بدنامی آمریکا در این منطقه‌ی اسلامی، یک مقداری بلکه ترمیم بشود؛ اما نتوانستند ترمیم کنند و بدانند که تا آخر نخواهند توانست ترمیم کنند؛ چون دروغ میگویند؛ چون صریحاً به مردم دارند دروغ میگویند. آنها در خیلی از قضایا دروغ میگویند. حالا ما که در جمهوری اسلامی هستیم، دائماً داریم دروغهای اینها را می‌بینیم و میشنویم. واژگونه کردن حقایق و وارونه نشان دادن واقعیات، سی سال است که جلوی چشم ماست و ما به این عادت کردیم؛ لکن دنیا قضاوت خواهد کرد، تاریخ قضاوت خواهد کرد. امروز تمدن غرب - من به شما عرض بکنم - در مقابل قضیه‌ی فلسطین به چالش کشیده شده. امروز دعوی لیبرال دمکراسی غرب زیر سؤال رفته. یعنی شما در فلسطین به خاطر مقاومتتان، یک ادعای چند صد ساله‌ی غرب را، که به وسیله او به دنیا تحکم میکرد، به زیر کشیدید و این ادعا را باطل کردید. مقاومت این قدر مهم است و عظیم است؛ این مقاومتی که شما دارید انجام میدهید.

مسئله‌ی غزه مسئله‌ی یک تکه سرزمین نیست؛ مسئله‌ی فلسطین فقط مسئله‌ی جغرافیا نیست؛ مسئله‌ی بشریت است؛ مسئله‌ی انسانیت است. امروز مسئله‌ی فلسطین شاخص میان پایبندی به اصول انسانی و ضدیت با اصول انسانی است. مسئله این قدر اهمیت دارد. آمریکا هم از این معامله زیان خواهد دید بلاشک. این چیزهای تاریخی، ده سال و بیست سال و سی سال در تحولات تاریخی مثل یک لحظه است؛ به زودی خواهد گذشت. قطعاً تاریخ آمریکا و آینده‌ی آمریکا مغلوب این حرکتی خواهد شد که در این پنجاه شصت سال اخیر آمریکائی‌ها در رابطه‌ی با مسئله‌ی فلسطین انجام دادند. مسئله‌ی فلسطین مایه‌ی بدنامی آمریکا در طول قرنهای متممادی در آینده خواهد بود. فلسطین آزاد خواهد شد؛ در این هیچ شبهه‌ای نداشته باشید. فلسطین قطعاً آزاد خواهد شد و به مردم بر خواهد گشت و در آنجا دولت فلسطینی تشکیل خواهد شد؛ در اینها هیچ تردیدی نیست؛ اما بدنامی آمریکا و بدنامی غرب برطرف نخواهد شد. اینها همچنان بدنام خواهند بود. شکی نیست که بر اساس حقایقی که خدای متعال تقدیر کرده است، خاورمیانه‌ی جدید شکل خواهد گرفت. این خاورمیانه، خاورمیانه‌ی اسلام خواهد بود؛ کما اینکه مسئله‌ی فلسطین یک مسئله‌ی اسلامی است. همه‌ی ملتها در مقابل فلسطین مسئولند. همه‌ی دولتها در مقابل فلسطین مسئول هستند؛ چه دولتهای مسلمان، چه دولتهای غیر مسلمان. هر دولتی که ادعای طرفداری از انسانیت را دارد، مسئول است؛ منتها وظیفه‌ی مسلمانها وظیفه‌ی سنگین‌تری است. دولتهای اسلامی موظفند و باید به این وظیفه عمل بکنند و هر دولتی که به وظیفه‌ی خود در قضیه‌ی فلسطین عمل نکند، لطمه‌ی آن را خواهد دید؛ چون ملتها بیدار شدند و از دولتها مطالبه میکنند و دولتها مجبورند نسبت به این قضیه تن بدهند و تسلیم بشوند.

ما در جمهوری اسلامی مسئله‌ی فلسطین برایمان یک مسئله‌ی تاکتیکی نیست، یک استراتژی سیاسی هم نیست، مسئله‌ی عقیده است، مسئله‌ی دل است، مسئله‌ی ایمان است. لذاست که بین ما و بین مردمان در این زمینه هیچ گونه فاصله‌ای وجود ندارد؛ همان قدر که ما برای مسئله‌ی فلسطین اهتمام قائلیم، مردم ما هم - آنهایی که میدانند مسئله‌ی فلسطین چیست که اکثریت عظیم ملت ما، بلکه قاطبه‌ی ملت ما هستند - همان انگیزه را دارند. و شما مشاهده میکنید در روز قدس و در جمعه‌ی آخر ماه رمضان هر سال، که امام آن را به عنوان روز قدس معین کردند، مردم می‌آیند در شهرهای بزرگ، در شهرهای کوچک، حتی در روستاها، مثل راهپیمائی 22 بهمن - 22 بهمن یادآور و سالگرد پیروزی انقلاب ماست که یک مسئله‌ی مربوط به خود ملت و داخل کشور است - همان احساسات را به خرج میدهند؛ همان حضوری را نشان میدهند که در روز 22 بهمن نشان میدهند. در روز قدس هم مردم در همه‌ی شهرهای کشور، در همه‌ی شهرهای بزرگ و کوچک و روستاها، می‌آیند در خیابانها؛ هوا گرم باشد، هوا سرد باشد؛ و



حضور خودشان و انگیزه‌ی خودشان را نشان می‌دهند. بدانید اگر ما - ما که مسئولین کشور هستیم - جلو مردم را نمی‌گرفتیم، بسیاری از جوانهای ما راه می‌افتادند برای اینکه با جسم خودشان و با تن خودشان هم در عرصه‌ی فلسطین حضور داشته باشند. در قضیه‌ی غزه جوانهای ما به فرودگاه رفتند، هر کار هم میکردند، نمی‌آمدند؛ با پیغام من برگشتند. اگر من پیغام نمیدادم، از فرودگاه برنمیگشتند. میگفتند ما را ببرید که ما برویم غزه؛ خیال میکردند که میتوانند خودشان را به غزه برسانند. این، انگیزه‌ی جوانهای ماست. مسئله‌ی غزه و مسئله‌ی فلسطین، مسئله‌ی ماست؛ مسئله‌ی اسلامی ماست؛ مسئله‌ی همه‌ی مسلمین است و وظیفه‌ی ماست. آنچه که انجام هم میدهیم، وظیفه‌ی ماست؛ بر کسی هم منت نداریم؛ وظائفمان را انجام دادیم. از خدای متعال هم میخواهیم که کمک کند، بتوانیم وظائف را انجام بدهیم؛ لکن شما دوستانی که اینجا حضور دارید، روی همین حرفهائی که این آقایان زدند: اینی که اصل، مبارزه است؛ اینکه هیچ راه حلی جزو مقاومت در قضیه‌ی فلسطین وجود ندارد، روی این حرفها ایستادگی کنید. این حرفها را صریحاً بزنید؛ نگذارید مجاملات سیاسی و جوسازی‌های سیاسی بر این منطق غلبه پیدا کند. هر کسی از فلسطینی‌ها که از راه مقاومت پایش را کنار گذاشت، ضرر کرد. اسرائیل در خواست صلح صادق نیست؛ اگرچه اگر صادق هم بود، غلط میکرد و او در اینجا حق ندارد؛ اما صادق هم نیست. آن کسانی که در راه مذاکره وارد شدند، مجبور شدند تحمیلات دشمن را قبول کنند. اگر يك لحظه پایشان را از مسیر تحمیلات دشمن دور گذاشتند، یا حذف شدند یا تحقیر شدند؛ که شما نمونه‌های هر دواش را ملاحظه کردید و دیدید. بعضی‌ها را حذف کردند، بعضی‌ها را هم تحقیر و تدریء (4) کردند. راه قدس، راه فلسطین، راه نجات مسئله‌ی فلسطین و حل مسئله‌ی فلسطین، جز راه مبارزه نیست، که آقایان این را گفتند و من خوشحالم از اینکه می‌بینم این مسئله در جمع شماها مورد اتفاق است و همه آن را قبول دارید. آن کسی که این راه را قبول ندارد، چه دانسته و چه ندانسته، دارد به مسئله‌ی فلسطین ضربه می‌زند. اگر دانسته باشد، اسمش خیانت است؛ اگر ندانسته باشد، اسمش جهل و غفلت است؛ علی‌ای‌حال ضربه است به مسئله‌ی فلسطین؛ ضربه می‌زنند به مسئله‌ی فلسطین. فلسطین هیچ راهی جز مقاومت ندارد؛ این را باید بگویند، باید بخواهند؛ دولت‌های اسلامی هم باید همین را تکرار کنند. البته بسیاری از دولت‌های عرب، در قضیه‌ی غزه و قبل از او در قضایای دیگر، امتحان بسیار بدی دادند؛ بسیار امتحان بدی دادند. هر وقت صحبت مسئله‌ی فلسطین شد، هی گفتند مسئله‌ی فلسطین مسئله‌ی عربی است! آن وقتی که وقت عمل آمد، مسئله‌ی فلسطین بکلی از همه‌ی معادلاتشان حذف شد و به جای اینکه به فلسطین کمک کنند، به فلسطینی کمک کنند، به برادر عرب خودشان کمک کنند - اگر به اسلام هم عقیده ندارند، اقلاً به عربیت خودشان پایند باشند - همه از میدان عقب کشیدند! بسیار امتحان بدی دادند. اینها هم در تاریخ خواهد ماند. و این سزاها و جزاها مربوط به آخرت فقط نیست، در دنیا هم اینجور است. همچنانی که نصرت خداوند نسبت به شماها که دارید مبارزه میکنید، مال آنجا نیست. در همین آیه‌ای که خواندند - که آقای خالد مشعل هم تکرار کردند - ملائکه میگویند: «نحن اولیاءکم فی الحیاة الدنیا و فی الآخرة». (5) بنابراین فقط برای آخرت نیست، در دنیا هم ملائکه الله، فرشتگان الهی و قوای معنوی الهی کمک میکنند آن کسانی که: «قالوا ربنا الله ثم استقاموا». (6) اینها کمک میکنند.

حالا این کمک آنها را ما در دنیا به چشم داریم می‌بینیم؛ به چشم خودمان داریم مشاهده میکنیم و می‌بینیم. ملائکه الله به ما هم در دفاع هشت ساله‌مان کمک کردند؛ ما این کمک را به چشم خودمان دیدیم. حالا يك آدم غرق در مادیات باور نمیکند، خب نکند؛ ما این کمک را دیدیم. امروز هم ملائکه الله دارند به ما کمک میکنند؛ امروز هم به کمک الهی است که ما ایستادیم. ما نیروی نظامی‌مان با آمریکا قابل مقایسه نیست؛ نیروی اقتصادی‌مان، امکانات مالی‌مان، امکانات تبلیغاتی‌مان، گستره‌ی فعالیت سیاسی‌مان با آمریکا قابل مقایسه نیست؛ اما در عین حال ما قوی‌تر از امریکائیم. با اینکه او پولدارتر است، او مسلح‌تر است، او امکانات تبلیغاتی‌اش بیشتر است، او امکانات



مالی و سیاسی اش بیشتر است؛ اما در عین حال او ضعیفتر است و ما قویتریم. دلیل قویتر بودن ما این است که در همه‌ی این میدانهای که ما و امریکا با هم مواجهیم، او قدم به قدم عقب‌نشینی میکند؛ ما عقب‌نشینی نمیکنیم؛ ما جلو میرویم. این، نشانه؛ این به برکت اسلام است؛ این به برکت کمک الهی و کمک ملائکه الله است. ما به اینها اعتقاد داریم، اینها را باور داریم، اینها را به چشم خودمان داریم می‌بینیم. و ان شاء الله آن روزی را که قدس شریف، علی‌رغم این دغدغه‌هایی که در مورد قدس بیان کردند - که یک دغدغه‌های واقعی است - به دست مسلمانها بیفتد، شاید خیلی از شماها آن را ببینید؛ ما باشیم یا نباشیم؛ به هر حال این را یک روزی مردم فلسطین و مردم دنیا مشاهده خواهند کرد.

مجدداً از شماها تشکر میکنم و خوشحالم از اینکه جمع شما را اینجا ملاقات کردیم. حرف ما و شما خیلی زیاد است؛ ما حرفمان با این دقائق تمام نمیشود؛ منتها ظهر است و دیگر، وقت نماز است و باید برویم. ان شاء الله امیدوارم که همه‌تان موفق و مؤید باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(1) حج: 40

(2) نساء: 76

(3) شوری: 15

(4) تدریء: دور کردن و گمراه کردن

(5) فصلت: 31

(6) فصلت: 30